گزارش یک

مهسا گربندی

گزارش میدانی «جوان» از بیست‌وششمین دوره انتخابات شهردار مدرسه در ۴۰ مدرسه پایتخت

شهرداران کوچک با رؤیاهای بزرگ

دانش‌آموزان، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و مدیریت را تمرین می‌کنند

در مدرسه هم می‌شود طعم رقابت‌های انتخاباتی را چشید، برای اداره کارها برنامه ریخت، مسئولیت پذیرفت و از ایده‌ها دفاع کرد. اینجا خبری از ساختمان‌های اداری و جلسات رسمی مدیریت شهری نیست، اما شور انتخاباتی و اشتیاق برای اثرگذاری، حال‌وهوایی متفاوت به راهروها و کلاس‌های درس بخشیده است. نوجوانانی که تا دیروز مدیریت شهری را از دریچه خیابان‌ها، پارک‌ها و خدمات شهری می‌شناختند، حالا فرصت پیدا کردند در مقیاسی کوچک‌تر، سازوکار حل مشکلات مدارس و نقش خود در بهبود محیط پیرامونشان را تجربه کنند.



بیست‌وششمین دوره انتخابات شهردار مدرسه، این بار در قالب اجرای آزمایشی طرح در ۴۰ مدرسه منتخب منطقه ۱۴ برگزار شد، طرحی که دبیرستان دخترانه شهید صدوقی نیز یکی از میزبانان آن بود. دانش‌آموزان در این رقابت، برای تصدی مسئولیت شهرداری مدرسه پای صندوق رأی رفتند تا از میان نامزدها، فرد منتخب خود را انتخاب کنند، تا در نهایت شهردار دانش‌آموز منتخب با همراهی چهار معاونش، مسئولیت پیگیری امور و شنیدن خواسته‌های هم‌مدرسه‌ای‌هایشان را برعهده بگیرد.

این تجربه قرار است دانش‌آموزان را با مفاهیمی همچون مشارکت، تصمیم‌گیری جمعی و مسئولیت‌پذیری آشنا کند. دانش‌آموزان شهردار همچنین در روزهای آینده با شهردار منطقه دیدار می‌کنند، آنها احکام مسئولیت خود را دریافت خواهند کرد و با شرح وظایف و مأموریت‌هایشان آشنا می‌شوند.

■ رؤیای شاداب‌سازی مدرسه

حیاط دبیرستان دخترانه شهید صدوقی حال‌وهوای متفاوتی دارد. صندلی‌ها در فضای باز چیده شدند و دانش‌آموزان با پرچم‌های کوچک ایران در دست، چشم‌انتظار آغاز رقابت انتخاباتی شهردار مدرسه هستند. مسئولان در ردیف‌های جلو نشستند و هوای خنک پاییزی، با بارش قطرات ریز باران، فضای مراسم را دل‌نشین‌تر کرده‌است. مجری برنامه آغاز مراسم را اعلام می‌کند و پس از خوشامدگویی، از مسئولان حاضر می‌خواهد برای دانش‌آموزان صحبت کنند. شور و اشتیاق در میان دختران نوجوان که برای تجربه نخستین رقابت انتخاباتی خود گرد هم آمده‌اند، به‌خوبی پیداست.

اما آنچه این رقابت را از یک انتخاب ساده در محیط مدرسه فراتر می‌برد، انگیزه‌هایی است که هر یک از نامزدها برای حضور در این میدان دارند. برای بعضی، شهردار شدن فرصتی برای شنیدن صدای هم‌کلاسی‌ها و پیگیری مشکلات آن‌هاست و برای عده‌ای دیگر، مجالی برای جان بخشیدن به ایده‌هایی که می‌تواند فضای مدرسه را از یکنواختی دور کند. پای صحبت نامزدها که می‌نشینیم، هر کدام تصویری از مدرسه مطلوب خود در ذهن دارند و بازگویش می‌کنند، تصویری که در آن نشاط، همدلی و مشارکت دانش‌آموزان جایگاه پررنگی دارد.

پرنیا تاری، یکی از نامزدهای شهرداری مدرسه، انگیزه حضورش در این رقابت را شنیدن دغدغه‌های دانش‌آموزان و تلاش برای رفع مشکلات آنها عنوان می‌کند. او برای بهبود فضای مدرسه، ایده‌هایی هم در ذهن دارد و می‌گوید: «اگر من شهردار شوم، ساماندهی زمین بازی و ایجاد فضایی شادتر در حیاط مدرسه را پیگیری می‌کنم. تغییر نیمکت‌های کلاس به مدل‌های دونفره نیز از دیگر برنامه‌هایی است که می‌تواند حریم شخصی هر دانش‌آموز را در کلاس درس مشخص‌تر کند و تلاشم را می‌کنم تا انجام شود.»

فاطمه کرمانی اما با نگاهی متفاوت به این رقابت آمده‌است. او نمی‌خواهد حضورش در انتخابات به بیان چند وعده انتخاباتی محدود بماند و از آرزوی ساختن مدرسه‌ای سخن می‌گوید که خواسته‌های دانش‌آموزان در آن جدی گرفته شود: «برگزاری برنامه‌های متنوع مذهبی، تفریحی، هنری و ورزشی از جمله پیشنهادهای من برای ایجاد پویایی بیشتر در محیط مدرسه است». کرمانی هدف خود را تبدیل دبیرستان شهید صدوقی به یکی از مدارس شاخص منطقه می‌داند و معتقد است تحقق چنین خواسته‌ای، به همراهی و مشارکت دانش‌آموزان نیاز دارد.

کمی آن‌طرف‌تر، یگانه سادات موسوی از زاویه‌ای عاطفی‌تر به ماجرا نگاه می‌کند. او می‌خواهد مدرسه جایی باشد که دانش‌آموزان با لبخند وارد کلاس شوند و سال‌های تحصیلشان را در آینده با خاطراتی خوش به یاد بیاورند: «محدودیت‌های این مسئولیت را به خوبی می‌دانم، قرار نیست با شهردار شدن معجزه کنم، اما قول می‌دهم که برای بهتر شدن شرایط مدرسه‌مان قدم بردارم و همه تلاشم را کنم.» او درباره برنامه‌هایی که در ذهن دارد این‌گونه توضیح می‌دهد: «رنگ‌آمیزی دیوارهای کلاس، زیباسازی کف حیاط و به طور کلی طراحی فضایی شادتر، بخشی از پیشنهادات من به شهردار منطقه خواهد بود که برای تغییر حال‌وهوای مدرسه لازم است.»

در میان برنامه‌های مطرح‌شده، زینب حق‌دوست بیش از هر چیز بر تقویت روحیه همدلی و کار گروهی تکیه دارد: «به عقیده من، اگر دانش‌آموزان یاد بگیرند در کنار یکدیگر کار کنند و برای رسیدن به هدفی مشترک همراه شوند، بسیاری از مسائل نیز آسان‌تر حل می‌شود.» او در صورت انتخاب شدن، پیگیری تأمین تجهیزات و امکاناتی را در نظر دارد که زمینه بازی‌های گروهی و تعامل بیشتر دانش‌آموزان را فراهم کند، اقدامی که به باورش می‌تواند از محیط مدرسه آغاز شود و در شکل‌گیری جامعه‌ای همراه‌تر و مهربان‌تر نیز اثرگذار باشد.

حرف‌های این نامزدهای انتخاباتی، اگرچه از ایده‌هایی متفاوت حکایت دارد، اما در یک نقطه به هم می‌رسد، میل به داشتن مدرسه‌ای که دانش‌آموزان در شکل دادن به آن سهم داشته باشند.

■ دانش‌آموزان بهترین ایده‌پردازان

حرف‌های دانش‌آموزانی که نامزدهای شهرداری مدرسه شده‌اند، قرار نیست تنها در حد شعارهای انتخاباتی باقی بماند. دست‌کم تجربه سال‌های گذشته در دبیرستان شهید صدوقی نشان داده که بخشی از این پیشنهادها می‌تواند با همراهی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان رنگ واقعیت به خود بگیرد.

منصوره محمدی مزینان، مدیر این مدرسه در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «در سال گذشته، بخشی از فعالیت‌های شهردار مدرسه در محدوده خود مدرسه و با کمک خانواده‌ها پیش رفت. برای نمونه، یکی از والدین در حرفه رنگ‌آمیزی یا تعمیرات تخصص داشت و با دعوت و پیگیری دانش‌آموزان، برای انجام بخشی از امور مدرسه پای کار آمد. در کنار این ظرفیت خانوادگی اما، شهرداری نیز می‌تواند با پیگیری شهردار دانش‌آموز و حمایت از مدرسه، در رفع برخی مشکلات و بهبود امکانات آن نقش داشته باشد.»

محمدی مزینان ادامه می‌دهد: «در سال‌های گذشته، دانش‌آموزان حتی از محل پول توجیبی خود برای برگزاری برنامه‌های فرهنگی و انجام برخی تعمیرات کلاس‌ها هزینه کردند.» از نگاه او این تجربه نشان داده وقتی دانش‌آموزان خود را در قبال محیط تحصیلشان مسئول بدانند، برای بهتر شدن آن نیز راه‌هایی پیدا می‌کنند.

مدیر دبیرستان شهید صدوقی در عین حال، محدودیت امکانات مدارس را نیز یادآور می‌شود: «مدرسه به‌تنهایی از عهده تمام نیازها و هزینه‌های مربوط به بهسازی محیط آموزشی برنمی‌آید. مأموریت اصلی مدارس تعلیم و تربیت است و نمی‌توان انتظار داشت منابع مالی لازم برای انجام همه امور عمرانی و خدماتی نیز در اختیار داشته باشند. از همین‌رو، همراهی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و نهادهای پشتیبان می‌تواند بخشی از این خلأ را جبران کند.»

او معتقد است دانش‌آموز منتخب و همراهانش با پذیرفتن این مسئولیت، در واقع برای بهتر شدن خانه دوم خود، یعنی مدرسه، آستین بالا می‌زنند و با مشارکت هم‌کلاسی‌ها و خانواده‌هایشان، ایده‌ها را به اقدام‌های عملی تبدیل می‌کنند. چنین تجربه‌ای، علاوه بر بهبود فضای آموزشی، فرصتی برای تقویت مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری و گسترش تعامل میان دانش‌آموزان فراهم می‌آورد.

محمدی مزینان بر تفاوت میان برگزاری نمادین انتخابات و دستیابی به نتیجه ملموس از آن دست می‌گذارد و می‌گوید: «تلاش مجموعه مدرسه بر این بوده‌است که انتخاب شهردار مدرسه، دستاوردی واقعی برای دانش‌آموزان به همراه داشته باشد.» او ظرفیت ایده‌پردازی نوجوانان را قابل توجه می‌داند و باور دارد: «با میدان دادن به پیشنهادها و توانایی‌های خود دانش‌آموزان، می‌توان مدرسه‌ای ساخت که دانش‌آموزان در شکل‌گیری و بهتر شدن آن سهمی واقعی داشته باشند.»



■ مدرسه، آغاز شهروندی



مشارکت دانش‌آموزان و خانواده‌ها، یک سوی ماجرای شهردار مدرسه است و سوی دیگر آن، ظرفیت همراهی مدیریت شهری برای به ثمر رساندن پیشنهادها و پیگیری مطالبات نوجوانان. امیر شهرابی، شهردار منطقه ۱۴ تهران در این رابطه به «جوان» می‌گوید: «دامنه فعالیت شهردار مدرسه تنها به اتفاقات و مسائل داخل مدرسه محدود نمی‌شود و دانش‌آموزان می‌توانند مطالبات خود را تا محدوده پیرامونی مدرسه نیز دنبال کنند.» به گفته شهرابی، شهردار دانش‌آموز این فرصت را دارد که مسائل و درخواست‌های مربوط به مدرسه و محدوده اطراف آن تا شعاع ۵۰۰ متری را به مدیریت شهری منتقل کند تا در چارچوب خدمات قابل ارائه به مدارس، مورد بررسی و پیگیری قرار گیرد. او یادآور می‌شود: «این روند در دوره‌های گذشته نیز دنبال شده و درخواست‌های دانش‌آموزان در مواردی به اقدامات اجرایی انجامیده است.»

شهردار منطقه ۱۴، با این حال، هدف اصلی اجرای این طرح را فراتر از رسیدگی به چند مطالبه خدماتی می‌داند: «آنچه در انتخابات شهردار مدرسه اهمیت بیشتری دارد، شکل‌گیری فرهنگ مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان نوجوانان است، تجربه‌ای که به دانش‌آموزان می‌آموزد در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تنها تماشاگر اتفاقات نباشند و برای ایفای نقش در آن پیش‌قدم شوند.»

شهرابی به وجه فرهنگی و تربیتی این رویداد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مقصود از برگزاری انتخابات شهردار مدرسه، آشنا کردن دانش‌آموزان با مفهوم انتخاب و مسئولیت‌های ناشی از آن است. از کسی که برای تصدی یک مسئولیت نامزد می‌شود تا دانش‌آموزی که رأی می‌دهد و فردی که در نهایت انتخاب می‌شود، هر کدام بخشی از یک تجربه اجتماعی را پشت سر می‌گذارند.» به باور او، مهم است نوجوانان از همین دوران مدرسه دریابند که می‌توانند در جامعه نقش‌آفرین باشند و برای بهبود شرایط پیرامون خود قدم بردارند.

■ مشق مسئولیت‌پذیری



وقتی دانش‌آموزان می‌توانند مشکلات محیط تحصیل خود را مطرح کنند و برای رفع آنها پاسخ و اقدام مشخصی ببینند، مفهوم مسئولیت‌پذیری برایشان از یک عبارت آموزشی به تجربه‌ای ملموس تبدیل می‌شود.

رضا نجفی، رئیس آموزش‌وپرورش منطقه ۱۴ تهران، با اشاره به دستاوردهای دوره‌های پیشین شهردار مدرسه، این طرح را فرصتی برای تمرین مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان می‌داند و به «جوان» می‌گوید: «نوجوانان در جریان این تجربه آموخته‌اند که می‌توانند در محیط پیرامون خود، از مدرسه و محله گرفته تا جامعه و کشور، نقش‌آفرین باشند و برای ایجاد تغییر پیش‌قدم شوند.»

نجفی یکی از دستاوردهای عملی این طرح را در سال گذشته فراهم شدن امکان ثبت مشکلات مدارس از طریق سامانه شهردار مدرسه و شهردار من عنوان می‌کند: «در این فرایند، دانش‌آموزان علاوه بر اعلام مسائل و کمبودهای مدرسه، فرصت داشتند راهکارهای پیشنهادی خود را نیز به شهرداری تهران ارائه دهند. به این ترتیب، مطالبات آنها از فضای گفت‌وگو فراتر رفت و در مسیری مشخص برای بررسی و پیگیری قرار گرفت.» او با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه بازسازی و تعمیرات مدارس توضیح می‌دهد: «در برخی موارد، دانش‌آموزان با ثبت درخواست‌های خود در سامانه شهردار دانش‌آموز، زمینه رسیدگی شهرداری به مشکلات مدرسه را مهیا کردند.» به گفته رئیس آموزش‌وپرورش منطقه، مشاهده نتیجه این پیگیری‌ها برای دانش‌آموزان اهمیت زیادی داشت، چراکه آنها به صورت عینی دریافتند طرح یک مطالبه و مشارکت در پیگیری آن می‌تواند به تغییر شرایط محیط تحصیلشان منجر شود.

نجفی معتقد است: «چنین تجربه‌هایی در افزایش انگیزه و اشتیاق دانش‌آموزان برای مشارکت در امور مدرسه و محیط پیرامونی نقش دارد.» او همچنین همراهی و همدلی میان آموزش‌وپرورش و شهرداری را از الزامات پیشبرد این برنامه می‌داند و بر این باور است که همکاری مجموعه‌های مسئول می‌تواند بخشی از مسائل و نیازهای جامعه را برطرف کند.

رئیس آموزش‌وپرورش منطقه ۱۴ با اشاره به کمبودها و نیازهای موجود در مدارس، شهردار مدرسه را فرصتی برای رساندن صدای دانش‌آموزان به مسئولان می‌داند، فرصتی که به آنها امکان می‌دهد مسائل محیط آموزشی خود را پیگیری کنند و برای رفع تدریجی مشکلات، از ظرفیت نهادهای مسئول کمک بگیرند.

کاهش ظرفیت پزشکی بدون پشتوانه کارشناسی و غیرقابل توجیه

تصمیم درباره آینده نیروی انسانی سلامت، بدون محاسبه نیاز کشور در آینده ممکن نیست

گزارش ۲

کبری فرشچی

تعیین ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی، صرفاً تصمیمی درباره امکانات فعلی دانشگاه‌های علوم پزشکی نیست؛ این تصمیم مستقیماً بر دسترسی مردم به خدمات درمانی در سال‌های آینده اثر می‌گذارد. از همین رو، تثبیت ظرفیت پذیرش سالانه روی عدد ۱۰هزار و ۵۰۰ نفر، پیش از آنکه یک تصمیم آموزشی باشد، نیازمند پاسخی روشن به یک پرسش اساسی است: آیا این تعداد، با توجه به روند سالمندی جمعیت، خروج پزشکان از چرخه خدمت و تغییر الگوی نیازهای درمانی، برای آینده کشور کافی خواهد بود؟

دکتر طاهره چنگیز، از منتقدان افزایش ظرفیت پزشکی، در اظهارات اخیر خود با استناد به تعداد دانشجویان در حال تحصیل، تخت‌های آموزشی و اعضای هیئت علمی فعال، ظرفیت قابل پشتیبانی آموزش پزشکی را حدود ۹هزار و ۵۰۰ تا ۱۱ هزار دانشجو در سال برآورد کرده‌است. او همچنین معتقد است با احتساب پزشکان موجود و فارغ‌التحصیلان سال‌های آینده، دستیابی به شاخص پزشک به جمعیت در برنامه هفتم توسعه حتی با کاهش پذیرش نیز امکان‌پذیر است. نگرانی از افزایش تعداد پزشکان عمومی بدون اصلاح نظام ارجاع و استقرار پزشک خانواده نیز بخش دیگری از استدلال اوست. این ملاحظات، به‌ویژه درباره کیفیت آموزش و اصلاح ساختار ارائه خدمات، قابل بررسی‌اند؛ اما نتیجه‌گیری درباره ضرورت کاهش پذیرش به ۱۰هزار و ۵۰۰ نفر، مستلزم بررسی مجموعه‌ای از متغیرهاست که نمی‌توان آنها را صرفاً با شمارش دانشجویان، تخت‌های آموزشی یا پزشکان موجود تعیین تکلیف کرد.

■ آینده جمعیت ایران با ظرفیت فعلی آموزش پزشکی سنجیده نمی‌شود

یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر نیاز آینده نظام سلامت، تغییر ساختار سنی جمعیت است. افزایش شمار سالمندان می‌تواند الگوی مراجعه به پزشک، نیاز به خدمات تخصصی، پیگیری بیماری‌های مزمن و تقاضا برای مراقبت‌های طولانی‌مدت را تغییر دهد، بنابراین، برآورد نیاز آینده به پزشک باید بر اساس جمعیتی انجام شود که نظام سلامت در سال‌های پیش رو با آن مواجه خواهد شد، نه صرفاً جمعیت و الگوی مصرف خدمات در زمان حاضر. شواهد بین‌المللی نیز اهمیت این موضوع را نشان می‌دهند. در مطالعه‌ای درباره بستری‌های بیمارستانی در انگلستان و ولز طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۹، نرخ بستری در گروه سنی ۶۰ تا ۷۴ سال ۴۵،۶ درصد و در افراد ۷۵ سال به بالا ۷۴،۳ درصد افزایش یافته‌است. این ارقام را نمی‌توان مستقیماً به ایران تعمیم داد یا تمام افزایش را ناشی از سالمندی دانست؛ با این حال، تفاوت روند استفاده از خدمات درمانی میان گروه‌های سنی را برجسته می‌کنند. برای ایران، پرسش تعیین‌کننده این است که افزایش سهم سالمندان تا افق‌های آینده چه تغییری در تقاضا برای خدمات پزشکی ایجاد خواهد کرد. پاسخ به این پرسش نیازمند ترکیب پیش‌بینی‌های جمعیتی با الگوی استفاده از خدمات درمانی در هر گروه سنی است. بدون چنین محاسبه‌ای، نمی‌توان اطمینان داشت که تعداد پزشکان پیش‌بینی‌شده برای آینده، متناسب با نیاز واقعی جمعیت خواهد بود.

■ شمار پزشکان موجود، معادل نیروی انسانی در دسترس مردم نیست

استدلال دستیابی به شاخص پزشک به جمعیت در برنامه هفتم توسعه، زمانی معتبر خواهد بود که روشن شود این شاخص دقیقاً بر چه تعریفی از پزشک استوار است. تعداد پزشکان ثبت‌شده، تعداد پزشکان شاغل، تعداد پزشکان فعال در ارائه خدمات بالینی و میزان دسترسی مردم به آنان، مفاهیمی یکسان نیستند.

پزشکی که در مناطق برخوردار فعالیت می‌کند، از نظر تأمین دسترسی در مناطق محروم جایگزین پزشک موردنیاز آن مناطق نیست. همچنین، شمارش پزشکان بدون توجه به ساعات کار، نوع فعالیت، تخصص و میزان مشارکت در ارائه خدمات درمانی، ممکن است تصویری ناقص از ظرفیت واقعی نظام سلامت به دست دهد. از این رو، حتی اگر محاسبات موجود نشان دهند که ایران در سال‌های آینده به یک نسبت مشخص پزشک به جمعیت دست خواهد یافت، باید مشخص شود این نتیجه بر چه فرض‌هایی استوار است. چند نفر از پزشکان فعلی در سال‌های آینده همچنان فعال خواهند بود؟ چه تعداد از فارغ‌التحصیلان وارد بازار کار می‌شوند؟ چه سهمی از پزشکان در بخش بالینی فعالیت خواهند کرد؟ و چه میزان از ظرفیت موجود به دلیل توزیع نامتوازن نیروی انسانی، عملاً در دسترس جمعیت نیازمند خدمات نیست؟

تا زمانی که این پرسش‌ها پاسخ مستند نداشته باشند، دستیابی احتمالی به یک شاخص جمعیتی را نمی‌توان به تنهایی معادل تأمین نیاز کشور به پزشک دانست.

■ خروج پزشکان از چرخه خدمت؛ متغیری که باید در محاسبات وارد شود

برآورد نیروی انسانی آینده، تنها با محاسبه ورودی‌های جدید امکان‌پذیر نیست؛ خروجی‌های نظام نیز باید به همان اندازه مورد توجه قرار گیرند. بازنشستگی، مهاجرت، تغییر شغل، فوت و کاهش فعالیت بالینی، همگی می‌توانند تعداد پزشکان در دسترس را در سال‌های آینده تحت تأثیر قرار دهند. بر اساس داده‌های سنی ارائه‌شده درباره پزشکان، ۱۴،۸۸۶ نفر در گروه سنی ۶۰ تا ۶۵ سال، ۵،۹۸۳ نفر در گروه سنی ۶۵ تا ۷۰ سال و ۱۰،۳۱۳ نفر در گروه سنی بالاتر از ۷۰ سال قرار دارند. این ارقام، ضرورت توجه به ساختار سنی جامعه پزشکی را نشان می‌دهند؛ هرچند به‌تنهایی نمی‌توان از آنها تعداد بازنشستگان قطعی در هر سال را استخراج کرد.

برای برآورد دقیق‌تر، باید سن، وضعیت اشتغال و فعالیت بالینی پزشکان و احتمال ادامه فعالیت آنان در سنین مختلف بررسی شود. افزون بر این، فاصله زمانی میان پذیرش دانشجو، فارغ‌التحصیلی و ورود به بازار کار باید در محاسبات لحاظ شود. دانشجویی که امروز پذیرفته می‌شود، بلافاصله به ظرفیت ارائه خدمات کشور اضافه نخواهد شد؛ همان‌طور که پزشک موجود نیز لزوماً تا پایان افق برنامه‌ریزی در چرخه خدمت باقی نمی‌ماند. در نتیجه، مقایسه تعداد پزشکان فعلی با تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آینده، بدون محاسبه خروج نیروی انسانی، نمی‌تواند تصویر کاملی از توازن عرضه و تقاضای پزشک ارائه کند.

■ کمبود زیرساخت، جلوی افزایش نیازهای درمانی را نمی‌گیرد

یکی از محورهای اصلی استدلال مخالفان توسعه آموزش پزشکی، محدودیت تخت‌های آموزشی و تعداد اعضای هیئت علمی است. این محدودیت‌ها در ارزیابی کیفیت آموزش اهمیت دارند و افزایش پذیرش بدون تأمین امکانات لازم، می‌تواند کیفیت آموزش بالینی را تحت تأثیر قرار دهد.

با این حال، وجود محدودیت در زیرساخت‌های فعلی، به‌خودی خود مشخص نمی‌کند که ظرفیت مناسب پذیرش برای سال‌های آینده چه عددی است. ظرفیت فعلی دانشگاه‌ها یک وضعیت موجود است؛ در حالی که تعیین ظرفیت پذیرش باید بر مبنای نیاز آینده و امکان توسعه زیرساخت‌ها انجام شود. اگر ظرفیت آموزشی کشور کمتر از نیاز پیش‌بینی‌شده باشد، سیاست‌گذار باید مشخص کند چه میزان سرمایه‌گذاری، توسعه تخت‌های آموزشی، جذب اعضای هیئت علمی و اصلاح شیوه‌های آموزش برای جبران این فاصله لازم است. در مقابل، اگر افزایش ظرفیت با محدودیت‌های جدی و غیرقابل جبران مواجه باشد، باید آثار آن بر کیفیت آموزش نیز به صورت مستند ارزیابی شود.

بنابراین، انتخاب میان افزایش و کاهش ظرفیت نباید به تقابل ساده میان تعداد دانشجویان و امکانات فعلی دانشگاه‌ها تقلیل یابد. مسئله اصلی، طراحی مسیری است که هم کیفیت آموزش را حفظ کند و هم نیاز بلندمدت کشور به نیروی انسانی را نادیده نگیرد.

■ عدد ۱۰هزار و ۵۰۰ باید نتیجه محاسبه باشد، نه نقطه شروع تصمیم

ملاحظات مطرح‌شده درباره کیفیت آموزش پزشکی، محدودیت زیرساخت‌ها و ضرورت اصلاح نظام ارجاع، موضوعاتی جدی در سیاست‌گذاری سلامتند. با این حال، هیچ‌یک از این ملاحظات به‌تنهایی اثبات نمی‌کند که ظرفیت پذیرش سالانه ۱۰هزار و ۵۰۰ نفر، بهترین گزینه برای آینده ایران است. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای، باید نیاز آینده جمعیت، ساختار سنی پزشکان، میزان خروج از چرخه خدمت، تعداد پزشکان واقعاً فعال، توزیع نیروی انسانی و امکان توسعه ظرفیت آموزشی، در قالب یک مدل شفاف و قابل ارزیابی کنار یکدیگر قرار گیرند.

تصمیم درباره ظرفیت پزشکی، آثار چندین‌ساله دارد و پیامدهای آن زمانی آشکار می‌شود که بخش مهمی از فرصت اصلاح از دست رفته باشد. به همین دلیل، تثبیت یک عدد مشخص باید حاصل مقایسه سناریوهای معتبر و بررسی مستقل داده‌ها باشد، نه صرفاً نتیجه تعمیم شرایط فعلی به آینده.

پرسش اصلی این نیست که دانشگاه‌های امروز با چه تعداد دانشجو امکان فعالیت دارند؛ پرسش این است که ایران در سال‌های آینده به چه تعداد پزشک فعال و در دسترس نیاز خواهد داشت و نظام آموزش پزشکی چگونه باید برای تأمین آن آماده شود. تا زمانی که این پرسش با داده‌های شفاف و محاسبات قابل راستی‌آزمایی پاسخ داده نشده باشد، تثبیت ظرفیت پذیرش روی ۱۰هزار و ۵۰۰ نفر را نمی‌توان تصمیمی قطعی و مستند درباره نیاز بلندمدت کشور تلقی کرد.